

**کم کم ساخته شدیم!**

چقدر خوب بلد بودید  
«کم» و ناگهان  
از ما آدمی بسازید،  
که جز مبارزه با  
اسرائیل و نابودی اش  
چیز دیگری از این دنیا  
نمی خواهد....

حسینیه تبدیل کردیم و در مناسبت های مختلف محرم، صفر و قاطلمیه هیأت داریم و روزه هفتگی هم می گیریم. سید علی هم چون در این فضا بزرگ شده بود مداحی علاقه پیدا کرد.

**از فعالیت ها و کارهای مداحی پسران بگویند.**

سید علی در همه هیأت هایی که در منزل ما برگزار می شود مداحی می کند. در مدرسه هم اجرای برنامه دارد. در کلاس های مداحی هم که با خواندن، اشکالانش را رفع می کند. بسم در جمع دوستان

## پای صحبت مادری که فرزندش مداح است

## روایتی از روضه‌ای خانگی که از همسایه‌ها، خانواده ساخته است

**از برکتهای ایام کرونا**

روی در ورودی خانه روبه‌رویی را محکم کنند. وارد ساختمان شدم. پارکینگ را مفروش و با پارچه سیاه بخش حسینیہ را از آشپزخانه جدا کرده بودند. سمت غربی پارکینگ چراغ آشپزی روشن بود و چند نفر مشغول کشیدن

## سالاری در ادامه قصه بیوسته

تعریف می‌کند؛ همیشه دوست داشتم مراسمی برای امام حسین (ع) برپا کنم. اما هیچ وقت شرایط فراهم نشد تا این که سال ۹۸ در جاده شهید- تربیت متصادف سختی کردید. خانواده چهار نفره ما هیچ آسیبی ندید در حالی که متصادف شدت سخت بود و هر کسی اتومبیل مارا دید گفت تنها معجزه می‌توانست شما را! این مهلکه نجات دهد. بعد از آن اتفاق به اقامتجس گفتم که برای تشکر از خداوند یک روز روضه بگیریم. ایشان قبول کرد و همان پهنانه شد تا بای ما به محفل روضه خانگی ساختمان رضوان باز شود و در کنار سایر همسایه‌ها سوره‌دار عزای حسین (ع) شویم و الا پنج روز از روضه‌های ساختمان خانواده شهید مروت برگزار می‌کنند. خانم سالاری که خواهر شهید است و از دیار تربیت حیدریه، معتقد است وجود دو شهید از خانواده خود او و دو شهید دیگر از خانواده همسایه‌ها در تداوم و پاشکوه برگزار شدن این مجلس خیلی موثر بوده است.

بچه‌های ساکن این ساختمان با هم دوست هستند. حتی بالاتر از آن مانند خواهر و برادر شده‌اند. این را وقتی محمد حسن و بلند علی دعا کردند و صدای گریه محمد حسن و بلند علی شهادت نمود. مادرها، بچه‌ها را با هم آشتی دادند و با دیده‌بوسی دو نونهال دعا خاتمه پیدا کرد و عکس یادگاری جاشنی آشتی‌کنان بچه‌ها شد. خانم سالاری می‌گوید: اهالی این ساختمان با هم مانند خانواده‌اند. در همه حال کنار هم‌دیگر می‌مانند. این دوستی و رفافت به برکت روضه است. هیچ کس نگاه نمی‌کند که بانی دهه اول صفرا یا پنج روز بعدی کیست؟ همه از جان و دل مایه می‌گذارند. ما سعی کردیم در تربیت فرزندان این نکته را رعایت کنیم. یعنی همین همدلی را به آنها نیز آموزش دهیم. در مدت زمان چند ساعته سرپایی روضه یعنی از زمان آماد سازی فضا تا پایان مجلس، بچه‌ها با هم هستند، پای کار می‌آیند و تلاش می‌کنند بخشی از کار را عهده‌دار شوند. مثلاً دخترها در بخشی زنانه ظرفی قدر را می‌گردانند و در حد توان خود سعی می‌کنند به مادرها کمک کنند. واگذاری وظایف‌خرد به بچه‌ها یک خوبی دارد. این‌که آنها تلاش می‌کنند کارهای محوله را با مدیریت خود به بهترین نحو انجام دهند. از طرف دیگر به یکدیگر کمک می‌کنند. معتقدم سرپایی روضه در ساختمان به بچه‌ها هم دوستی، مدیریت رفتار و کار و راه و رسم هم‌کاری می‌آموزد و این از بزرگ‌ترین امتحان است که این روضه مهد تربیت

فرزندانی ماشده است. زهرا سالاری ايجاد تميز در باورها و سبک زندگي خود را نيز محصل مجلس امام حسين مي‌داند. او مي‌گويد: قبل از پيوستن به اين مجلس سبک پوشش و آرايش من متفاوت بود. اما بعد از پيوستن به اين مجلس، حيات پرتو را انتخاب کردم. براي ايجاد رونق و قلم را جلوي آيينه و آرايش تلف نمي‌کنم و سعی مي‌کنم زيبايي باطن را دريايم. همسرم بارها تاکيد کرده است که زهرا حالا خيلي زيباتر شده‌اي. تغييرات سبک زندگي من در شوق زيارت اربعين و خدمت به حرم رضوی پيوستن نمايان شده است. اما بزرگ تامين و سالار شهيدان نهاد؛ ساختمان رضوان باقي نمانده و مانند خون شهيد، جوشيده است. ساکنان يک خانه قديمي که به قول زهرا سالاری «حاج آقا و حاج خانوم» هستند، ميزبان بخش مردانه اين محفل بي‌اي حسيني‌اند. خانم سالاری مي‌گويد وقتي اطلاع دادم اداره مجلس در ساکنان خاتونم براي ما مستح است، ما حاج خانوم با چشم گريان آمدند و تقاضا کردند توفيق ميزباني از مهمانان روضه را از آنها بگيريم و اين چنين شد که سه سال است خادمان اين محفل دوستانه بيرون از ساختمان رضوان رسيده و صدای «په تَو از دور سلام...» در فضا يکوه عامل چهارم به گوش همه ساکنان مي‌رسد.

بی بی جان خدا بامرز  
می گفت: «ننه جان!  
همساده خوب، از قوم و  
خویش بهتره! همساده  
همیشه کناره اما قوم و  
خویش رو باید دعوت کنی  
یا کارد به استخوانت برسه  
که سراغت رو بگیره.»



**دکتر فارزان مرزوی**  
روزنامه نگار

وقتی همسایه‌های خوش قلب ما یعنی مادر تکیم و خورشید خانم برای کمک به مادرم که تازه زایمان کرده بود، آمده بودند، بی‌بی جان این حرف‌ها را می‌زد: «دعوت‌شان می‌کرد بنشینند و یکی به قلیان حار از ما می‌دهد، بزنند... بی‌بی جان راست می‌گفت، همسایه خوب نعمت است. این را از پارسا خانم تجربه می‌گفت یا آنچه بای منبر و مسجد شنیده بود، حرف حق بود، روزهای تیراقلام دهه هشت که نه امکانات ارتباطی مثل امروز نبود و نه وسایل تردد شهری، مادرم تازه زایمان کرده بود. او با وجود چند پیچه و نیم قد نوزاد تازه از راه رسیده‌ادر آغوش داشت و هنوز از نگاهت پیام از زایمان رنج می‌برد، این اماان تکیم و خورشید خانم بودند که بیشتر از خاله‌ها و مادرجان به داد ما می‌رسیدند؛ بی‌بی شستند و می‌پختند و گاهی ما را به حیاط خانه هدایت می‌کردند تا مامان و نوزاد استراحت کنند. این خاطرات را که مرور می‌کنم بیشتر از رزم و راز وجود احادیث و روایات درباره اهمیت همسایه‌داری و توصیه‌های مکرر به توسعه این فرهنگ بی‌بی موم، این‌که در فرهنگ ایرانی و اسلامی این اندازه به جایگاه، نقش و لزوم هواداری و هواخواهی همسایه‌داری تأکید شده را باید بخش مهمی از سبک زندگی دانست.

**به نام حسین (ع)**

قصه همسایه‌ها که به میان می‌آید، خاطرات دوره‌های ماضی و خانج‌های همسایه زیر سایه درخت انگور و آلبالو حیاط پیرایه زنده می‌شود. عصرهایی که در نود همسان دوره می‌نشدند و برای جیره می‌پختند و تحویل مسجد محل می‌دادند. آذوقه زمستانی را در همین دوره‌ها آماده می‌کردند، در همین جمع دختر میمنت خاتم را برای سیرخاله مهری خانم کاندید کرده و بساط عروسی به پا کردند و ... اما این... همین قصه این دوره‌های همسایه‌ها نبود، محرم و صفر که رسید، این‌ها همسایه همسایه‌ها را در وجود مجلس عزای امام حسین به‌خاطر می‌کردند. دست به‌جه را می‌گرفتند و راهی روضه

قصراً...

## عشق به سید حسن

با کشتن سداحان و منبری ها به سواداخر  
مهمچنان ادامه دارد. مهدی رسولی نوشت:  
«ما دینیم که غرق بهجت و بشراتی سیدجان  
ایمی شد به خاطر ما بل بلند می بیای تو بواب  
صویر یکسند برنی؟» محمدعلی نوش: «گاهی  
رای صلح باید جنگید... برای آرامش داشتن باید  
لب طبری نوشت: «آقای حاجی زاده آقای تانیاها  
روغن یک دوبیتی نوشت: «امشب که تل آویر بدین  
خاطر افتاد/ گفتم و بگویم به عالم که بداند/  
سعد کرمعلی/ احمد نیدی/ امیر کرمناهی»  
مغر قدس، میرزا محمدی تراشوند، حجت الاسلام  
سعد کرمعلی، محسن طاهری، حجت الاسلام  
مهدی سروری، امین مقدم، مسعود پیرایش،  
حسین حسین پورافزار، سید محمدنقی فاطمه، سیدامیر  
محمد حسن یوسفی، حجت الاسلام احمد کاشانی  
که مجاری خود این روشنیها را حمایت کردند.

**وعدہ صادق**

## سایهات مستدام حضرت عشق

جمعی از مداحان، سخنرانان و نوحه‌سرایان کشور در پی حمله موشکی قدرتمندانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه رژیم صهیونیستی در عملیات وعده صادق ۲ در فضای مجازی واکنش نشان دادند و

در مقام معظم رهبری نوشت: «سایه‌ت مستدام و با انتشار تصویر امام خمینی (ره) نوشت: «به جمع شدن تا بتوانند موشک‌های تولیدی بد و نتوانستند ... اماما، دنیا بدینا علمی که بهم نهاد.» میثم مطیعی نوشت: «خدايا هزاران اساس تاريخ حيات مان دادی و ما را به صحنه را مؤثر و مفيد قرار بده، نه تماشاچی و نظاره‌گر!» ری نوشت: «در چشم‌های ما بین این مردم از آغاز... را».

## از ذاکران قدیمی شهر کرج

جمهوری فرد، از پیروگرام اصل بیت (ع) بین هیأت تجزینتی کرج در ۷۳ سالگی ایلی گفت. این پیروگرام اصل بیت (ع) یعنی شجره کرم بهشمار می‌رفت و حدود هیأت عشاق الحسین (ع) به عاشقان خدمت کرد. او دو بار به عنوان پیروگرام مورد تجلیل قرار گرفته بود. آموزش انان از دیگر فعالیت‌های هنرمندان پرکار است. به متعدد مداحی برای علاقه‌مندان برگزار حسین اطهری فرد، پدر صالحه اطهری فرد، ایلی قرآن کریم و دارنده عنوان نخست جمهوری اسلامی است. صالحه اطهری فرد، می‌گوید: پدرم قاری حرفه‌ای قرآن نبود، مگر با تشویق‌های او قدم در این راه فیکاتی کسب کرد.

**قَاب**

A portrait of a man with a grey beard and mustache, wearing a dark blue blazer over a black shirt and a grey flat cap. He is seated against a solid green background. The image is framed by a thin black border.